

مؤلفه‌های زیست اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه

مجید معارف^۱، زهرا خیراللهی^۲، حسین محمدی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱)

چکیده

زیست اخلاق اجتماعی گونه‌ای از اخلاق است که به روابط انسان با دیگران در سطوح مختلف اشاره می‌کند. مفهوم امت به عنوان مفهوم نزدیک به اجتماع در مفاهیم دینی در زیست اخلاق اجتماعی نیز از نقش مفاهیم محوری به حساب می‌آید. مؤلفه‌های زیست اخلاقی در دو حوزه خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد که در حوزه کلان نظام تعلیم و تربیت، امنیت اجتماعی، نظام سیاسی و اقتصادی زیرساخت لازم برای ساخت زیست اخلاق اجتماعی را فراهم می‌کنند. همچنین در حوزه‌های خرد و بین فردی در سه ساحت بینش، گرایش و کنش مؤلفه‌های زیست اخلاق اجتماعی دسته‌بندی می‌گردند که شامل نگاه به توحید، انسان و دنیا در حوزه بینش، حب و بغض در حوزه گرایش، همچنین مفاهیمی همچون احسان، وفای به عهد، صداقت، حسن ظن، انفاق، حلم، رفق و مدارا، عفت و حیا در حوزه کنش می‌گردد. در نهایت باید اشاره نمود که پایبندی به اصول و آموزه‌های زیست اخلاق اجتماعی سبب همبستگی میان اقشار مختلف جامعه، مسئولیت‌پذیری نسبت به افراد جامعه و ترجیح منافع جامعه نسبت به منافع فردی خواهد شد.

کلید واژه‌ها: اخلاق اجتماعی، زیست اخلاقی، قرآن، نهج البلاغه، امت.

maaref@ut.ac.ir

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Zkheirolahi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

f.bd.zn@chmail.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

۱. بیان مسئله

یکی از مفاهیم اخلاقی در اسلام مفهوم زیست اخلاقی است که با بررسی آیات و روایات به دست می آید که دین مبین اسلام توجه بسیار ویژه‌ای به اخلاق داشته به طوری که پیامبر اکرم (ص) بعثت خود را برای پایه ریزی و به کمال رساندن اخلاق معرفی می نماید و می فرماید: *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ* (طبرسی، ۸/۱). به ویژه اخلاق اجتماعی در مقابل اخلاق فردی، چرا که یکی از نیازهای جوامع بشری چگونگی نظام اخلاقی آن جوامع است، شامل مناسبات مردم با یکدیگر، حاکمان با مردم، مردم با حاکمان و هر آنچه به زیست اخلاق اجتماعی مرتبط می شود.

این مقاله بر آن است که با استفاده از قرآن و نهج البلاغه روشن سازد که زیست اخلاق اجتماعی چیست و چه ماهیتی دارد و دیگر آن که براساس شواهد آیات قرآن و مضامین نهج البلاغه زیست اخلاق اجتماعی بر چه مولفه‌هایی استوار است؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله ذکر چند نکته‌ی مقدماتی ضروری است:

۱-۲. اهمیت و ضرورت

اخلاق یکی از مهمترین مباحث قرآنی و روایی است و به نوعی هدف انبیا محسوب می شود. انسان در صورتی حیات انسانی پیدا می کند که دارای زیست اخلاقی باشد بر همین اساس مساله زیست اخلاق اجتماعی بسیار مهم و ضروری است چرا که تکامل اخلاقی در جامعه، یکی از مهمترین اهدافی است که برای ادیان مختلف ذکر گردیده است از سویی دیگر جامعه سالم حتما به زیست اخلاقی مطابق معارف دینی صحیح نیاز دارد چون به زندگی اجتماعی مردم ارتباط دارد و مردم باید زندگی آرام و مطلوبی داشته باشند و این امر میسر نمی شود مگر اینکه اخلاق اجتماعی در جامعه حاکم باشد.

۲-۲. پیشینه و نوآوری

در خصوص این موضوع پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای متفاوت صورت پذیرفته است. برخی به اخلاق اجتماعی از نگاه قرآن پرداخته‌اند و برخی به اخلاق اجتماعی از نگاه نهج‌البلاغه پرداخته‌اند که در ادامه به بخشی از آن اشاره می‌نماییم.

از جمله کتاب‌ها، اخلاق اجتماعی در نهج‌البلاغه، گردآوری مقالات توسط احمد پاکتیجی، سلمان نژاد است. این کتاب در ۳ فصل «رویکرد اخلاقی به انسان»، «فضیلت‌های اخلاقی» و «اصول تعامل اجتماعی» گردآوری شده است، از دیگر کتب می‌توان به اخلاق اجتماعی از دیدگاه قرآن نوشته علیرضا ملکی اشاره کرد نویسنده در این نوشتار مباحث اخلاق اجتماعی را از منظر قرآن کریم بررسی می‌کند. کتاب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد کتاب اصول اخلاق اجتماعی در نهج‌البلاغه است، جمعی از نویسندگان، که در این کتاب به مولفه‌های اخلاق اجتماعی ذکر شده در نهج‌البلاغه پرداخته شده است.

برخی دیگر از اندیشمندان اخلاق را در نهج‌البلاغه و قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند که در اثنای بحث به موضوع اخلاق اجتماعی نیز اشاراتی داشته‌اند، از جمله این تألیفات، کتاب اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه و اخلاق در قرآن آیت الله مکارم شیرازی و اخلاق در قرآن حجت الاسلام خسروپناه است.

برخی دیگر از منابع به موضوع زیست اجتماعی در قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته‌اند که در خصوص جامعه مطلوب اخلاقی براساس مبانی دینی مباحثی را مطرح نموده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «روابط اجتماعی در اسلام» علامه طباطبایی، «علم الاجتماع در نهج‌البلاغه» هاشم حسین ناصر محنک و کتاب «جامعه علوی در نهج‌البلاغه» اشاره کرد.

پایان‌نامه‌هایی نیز با این موضوع تالیف گردیده است از جمله اخلاق اجتماعی مطلوب در قرآن و حدیث با تلاش حسنی لطفی که در این تحقیق تلاش شده است مصادیق اخلاق اجتماعی مطلوب براساس آیات و روایات بیان شود (مانند امانت، صداقت، خوش خلقی

و... همچنین موانع اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

مقالاتی نیز در این خصوص به رشته تحریر در آمده از جمله مقاله شبکه معنایی مفاهیم اخلاق اجتماعی در قرآن کریم حسومی، طاهره؛ نوشین فرد، فاطمه؛ حسینی بهشتی، ملوک السادات؛ باب الحوائجی، فهیمه؛ حریری، نجلا در این پژوهش آیات اخلاق اجتماعی استخراج و تلاش شده شبکه معنایی این آیات ترسیم شود.

همچنین مقاله مبانی نظری اخلاق اجتماعی در قرآن و حدیث، خدیجه ملکشاهی، سهراب مروتی، در این پژوهش توصیف و تبیین مفهوم اخلاق اجتماعی و مبانی آن بر پایه منابع اسلامی و مفاهیم قرآنی، احادیث و نقل قول‌های معتبر با استفاده از اصول علمی و منطقی صورت پذیرفته، سپس برخی از شاخصه‌های آن، استخراج و با استفاده و مطالعه سایر منابع در حیطه مباحث علوم قرآنی و کتب اخلاق، به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

مقاله‌ای با عنوان مفاهیم اخلاق اجتماعی در قرآن نویسنده: سید محمدصادق حسینی سرشت در این پژوهش یکی از مفاهیم اخلاق اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

مقاله بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، حسینعلی مصدقیان در این مقاله تلاش شده تا بسترهای ترسیم شده از دیدگاه امام علی (ع) را در زمینه‌ی اخلاق اجتماعی به اختصار بیان شود.

از دیگر مقالات روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه نویسندگان: حسین محقق، سعید صوابت انور در این پژوهش با هدف شناسایی روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه انجام شده که با بهره‌گیری از نهج البلاغه بوده است. با بررسی به عمل آمده در خصوص اخلاق اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است، اما نگاه جامع و دقیقی در این خصوص صورت نگرفته، اما در این پژوهش تلاش شده نگاه عمیق، دقیق و جامع‌تری با نگاهی به همه

جوانب موضوع صورت پذیرد در توضیح باید گفت زیست اخلاق اجتماعی برای تحقق خود دارای مقدمات و اصول کلی و مؤلفه‌هایی است که نبود هر کدام در این نظام کلی خلل ایجاد می‌نماید؛ بنابراین باید به صورت جامع از منابع اصیل اسلامی که عبارتند از قرآن و نهج‌البلاغه استخراج شوند تا به وسیله آن بتوان یک جامعه مطلوب اجتماعی اخلاق مدار را براساس معارف بلند قرآن و نهج‌البلاغه پایه‌ریزی کرد.

۲-۳. مفاهیم

۲-۳-۱. اخلاق

«خُلُقُ» (بر وزن آفُق) مفرد است، و با خلق (بر وزن قفل) یک معنی دارد. به طوری که از مفردات راغب استفاده می‌شود با خَلَقُ (بر وزن حَلَقُ) ریشه مشترک دارد، منتها «خَلَقُ» به صفات ظاهری گفته می‌شود، و «خُلُقُ» و «خُلُقُ» به صفات درونی. بعضی از ارباب لغت «خُلُقُ» و «خُلُقُ» را به معنی دین و طبیعت و سَجِیَّه تفسیر کرده‌اند و آن را صورت باطنی انسان می‌دانند. (ابن منظور، ۸۵/۱۰) اخلاق دو معنی اصلی دارد؛ ۱. ملاسه الشی: نرمی و صافی چیزی را گویند ۲. تقدیر الشی: اندازه، هیئت و شکل چیزی. (ابن فارس، ۲۱۴/۲) در کتاب‌های لغت معمولاً واژه اخلاق به معنای دوم یعنی تقدیر الشی به کار رفته است و معنای اول استعمال چندانی ندارد؛ بنابراین واژه اخلاق به معنای نصیب به کار رفته است، یعنی نصیب مقدر و مشخص. یحیی بن عدی در تعریف اخلاق می‌گوید: «ان الخلق هو حال النفس بها يفعل الانسان افعاله بلارویه و لا اختیار» (ابن مسکویه، ۵) همانا خلق، حالتی نفسانی است که انسان به سبب آن کارهایش را بدون فکر کردن و بدون اختیار انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت: اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۲۴/۱)

۲-۳-۲. اخلاق اجتماعی

در تعریف اخلاق اجتماعی چنین تعریف شده است: به مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای

غیر الزامی حاکم و رایج بر نظامهای رفتاری جمع و جماعت و جامعه، اخلاق اجتماعی می‌گویند. (حق‌شناس، ۱۹) آنچه به زبان جامعه‌شناسی اخلاق اجتماعی شناخته می‌شود، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه‌پذیری در فرآیند درونی شدن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها و یگانگی فرد با جامعه از آن بحث می‌شود به طور خلاصه در بحث از فرهنگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزش‌ها و قواعد رفتار در جامعه موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. (خوشفر، ۲)

۲-۳-۳. امت

در بررسی مفهوم زیست اجتماعی، "امت" مهمترین مولفه تعیین مفهوم جامعه و برداشت از آن در زیست اجتماعی است. چرا که نوع نگاه ما به مفهوم جامعه تاثیر به سزایی در نوع رفتار و کنش ما خواهد داشت. با بررسی و پژوهش در مفاهیم دینی مفهوم «امت» یکی از مفاهیمی است که به مفهوم اجتماع نزدیک است که البته معنای خاص و جدیدی از آن را ارائه می‌نماید. مفهوم امت یک واژه و مفهوم عقیدتی است که از ریشه اَمَّیْمٌ به معنی قَصْدَ یَقْصُدُ است. (راغب اصفهانی، ۲۳/۱) در تعریف امت گفته شده است که امت جامعه‌ای و گروه بزرگی از مردم است که رسالتی برای ایشان نازل شده است. (عزتی، ۱۷۹) امت به گروهی گفته می‌شود که براساس عقیده و ایدئولوژی مشترک حول دین و احکام الهی جمع شده‌اند و متحد گردیده‌اند. این تجمع منجر به شکل‌گیری یک جامعه دینی مشترک المنافع گردیده است و می‌توان گفت که صرفاً با زندگی در مکان مشترک و یا نژاد مشترک محقق نمی‌شود (شریعتی، ۴۴)

۳. مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی با نگاه به قرآن و نهج البلاغه

با نگاه به آیات قرآن و سخنان امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه مولفه‌های زیر در زیست اخلاق اجتماعی به دست می‌آید:

۳-۱. مؤلفه‌های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه کلان

با توجه به مفاهیم و معارف دینی باید گفت که روش انبیا در حوزه اخلاق ارائه یک مکتب فکری و فلسفی صرف نبوده است، بلکه با یک نگاه کلان سعی در ایجاد یک بستر مناسب برای اخلاق اجتماعی و تربیتی در انسان‌ها بوده‌اند که این امر می‌تواند به صورت کلان و هدف‌گایی تربیت اخلاقی بشریت را محقق سازد که این امر با ایجاد بسترها، نظام‌ها، سازوکارها، قوانین و مقررات لازم عرصه‌های کلان جامعه فراهم می‌شود. در اینجا به اختصار به مؤلفه‌های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه کلان اشاره می‌گردد.

۳-۱-۱. نظام تعلیم و تربیت در ساخت اخلاقی

نظام آموزشی به عنوان یک رکن اصلی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش آحاد جامعه نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در عرضه الگوی مناسب یک انسان سالم در هر جامعه‌ای دارد. نظام آموزشی صحیح موجب محقق شدن تعاملات اخلاق محور می‌شود. از شاخصه‌های جامعه توسعه یافته و سالم این است که دارای نظام تعلیم و تربیت مترقی، زنده، با نشاط و پویا باشد. چنین نظام آموزشی می‌تواند انسان‌های مستقل، مبتکر و اخلاقی بسازد (مصباح یزدی، ۳۱۶)

طبق رهنمودهای قرآن کریم انسان موجودی است که ماهیت و حدی معین ندارد و متوقف نمی‌گردد، بلکه در جانب سیر صعود و یا سیر نزول در نوسان است، خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (الشمس، ۹-۱۰) بنابراین برنامه تعلیم و تربیت تاثیرگذار باید به گونه‌ای طراحی شود که تمامی ابعاد وجودی انسان را در بر گرفته و با فطرت او سازگار باشد. در قرآن کریم برای ارائه معنای تربیت اخلاقی، معنوی، الهی و دینی از واژه‌هایی مانند هدایت و تقوا، رشد و ایمان، تطهیر و تزکیه استفاده شده است. با توجه به شبکه معنایی آیات و ارتباط واژه‌های قرآنی جامع‌ترین کلمه تربیتی در قرآن بعد از واژه هدایت کلمه تزکیه است.

آیات تعلیم و تربیت در قرآن به فراخور فضای نزول در موضوعات مختلفی بیان گردیده است (البقره، ۱۲۹؛ البقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ الجمعة، ۲) با توجه به آیات فوق می‌توان دریافت که در اسلام همه چیز مقدمه خودسازی است، اگر بشر تحت تربیت الهی قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را طیب و طاهر خواهد کرد.

نظام تعلیم و تربیتی قرآن بر پایه‌هایی مستحکم است از جمله آن می‌توان به فطری بودن (الروم، ۳۰) جامعیت داشتن (الروم، ۷) عقلانیت، در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و اسوه مداری (الاحزاب، ۲۱؛ الممتحنه، ۴؛ الانعام، ۹۰) اشاره نمود.

امام علی (ع) نیز در مهندسی تربیت اخلاقی نقشه‌ای طرح‌ریزی نموده است که بر مبنای آن، راه‌یابی، راه دانی و راه سازی جهت سلوک الهی ترسیم می‌شود نظام تربیت اخلاقی نهج‌البلاغه مبتنی بر اصلی‌الکوساز است که این اندیشه را از دیگر اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی غیر قرآنی متمایز می‌نماید. در نظام تربیتی نهج‌البلاغه فرد انسانی، محور قرار می‌گیرد انسان همراه با رفتار، طبیعت، اخلاق روانشناسی، وظایف و سرنوشت خود، همان اندازه در اندیشه امام مطرح است که مسئله خدا مطرح است (خیراللهی، ۹۳)

نظام آموزشی و پرورش یکی از مهمترین اصول برای ساخت زیست اخلاق اجتماعی محسوب می‌گردد؛ چرا که نظام تربیتی و آموزشی صحیح به پرورش انسان صالح می‌پردازد که این انسان به واسطه یافته‌های خود بستر لازم برای صدور فعل اخلاقی در سطح جامعه را داراست که در صورت عدم تحقق این امر نیز جامعه با اختلال روبه‌رو خواهد شد و از آحاد جامعه به دلیل آموزش‌ها و پرورش‌های نادرست فعل اخلاقی مناسب صادر نخواهد گردید.

۳-۱-۲. نظام سیاسی اخلاق محور

براساس مبانی دینی و فلسفه سیاسی اسلام و با الهام از منابع شریعت می‌توان دریافت که هدف حکومت تحقق قوانین الهی است. (عمید زنجانی، ۲۸۹) در قرآن کریم در توصیف

نظام سیاسی دینی ویژگی برجسته آن را استقرار دین می‌شمارد و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (النور، ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت.

مراد از تمکین دین این است که دین بدون هیچ گونه مانع و رادع در جامعه پیاده شود و عاملی جلوی تاثیر آن را نگرفته و موجب استهانت آن نشود. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۲۰۸/۱۵) در آیات دیگر اطاعت از هر قانونی که مخالف قوانین الهی باشد اطاعت از طاغوت و شرک شمرده می‌شود (النحل، ۳۶) که به آن کفر و ظلم اطلاق می‌شود. (المائدة، ۵۵) تاکید شده که مبنای هر گونه تصمیم‌گیری در جامعه باید اصول و احکام الهی باشد. (الشوری، ۱۰) در اختلافات و تنازعات باید به دین خدا مراجعه کرد.

در خطب و نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) نیز به دفعات اقامه شریعت و اجرای حدود الهی انگیزه قیام برای تشکیل حکومت و هدف غایی نظام دینی معرفی شده است. (سیدرضی، خطبه ۱۰۵)

در نگرش اسلامی قدرت همراه با رعایت اصول اخلاقی است و کاربری آن در جهت اقامه مصالح مردم و جامعه است و منافع فردی در راس قدرت یا بدون قدرت از میان برداشته می‌شود در اندیشه دینی و آموزه‌های اخلاق سیاسی، از حکومت به امانت یاد می‌شود. شهید مطهری در این باره به آیه ۵۸ نساء اشاره می‌کند و می‌گوید: قرآن کریم حاکم و سرپرست اجتماع به عنوان امین و نگهبان اجتماع می‌داند. (مطهری، امامت و رهبری، ۹۱)

یکی از اموری که در نظام سیاسی مورد نظر امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه به چشم می‌خورد تقدم اخلاق در نظام سیاسی است. حضرت در نظام سیاسی خود حتی به دشمن

نیز احترام می‌گذارد برای مثال وقتی در جنگ جمل بر جنازه کشتگان رسید، آنها را برای آنها نماز گذارد و با احترام دفن کرد (سیدرضی، خطبه ۲۱۹) در نگرش اسلامی آنگاه که اخلاق وارد قلمرو نظام سیاسی و اعمال قدرت شد، دولتمردان نظام اسلامی با ایجاد بسترهای رشد و حرکت جامعه به سوی اخلاق گام‌های آغازین برای شکل‌گیری شهروندان و جامعه‌ای اخلاق محور را به وجود می‌آورد و سه گانه فرد، جامعه و نظام دولت اخلاقی فراهم می‌شود. (بابایی و دیگران، ۷۵)

با بررسی آیات قرآن به این نتیجه می‌توان دست یافت که ماموریت رهبران الهی صرفاً هدایت اعتقادی و معنوی و تامین سعادت اخروی مردم نیست، بلکه آنان در امور دنیوی مردم نیز دنبال هدف‌هایی هستند. این امور دنیوی بستر ساز نیل به اهداف معنوی و اخروی خواهد بود. (ورعی، ۱۲۱/۱) اگر حاکمیت و حکمرانان به گونه‌ای در نظام سیاسی رفتار کنند که بسترهای یک زندگی سالم و صالح را برای مردم پدیدار کنند، همچنین با به کارگیری روش‌های الهی و دینی هرگونه کثری و ناراستی را سیاست‌های کلان کنار بگذارند، این امر موجب می‌شود که مردم در یک بستر مناسب یک زیست اخلاقی درستی را تجربه نمایند که در صورت نبود این نظام سیاسی سالم حتماً زیست اخلاقی مردم دچار چالش و مشکل جدی خواهد شد.

۳-۱-۳. نظام اقتصادی اخلاق محور

اقتصاد یکی از موضوعات مهمی است که همواره از مهمترین دغدغه‌های مردم در اعصار و اقطار مختلف بوده است. چگونگی وضعیت اقتصادی مردم و همچنین معیشت ایشان نقش مهمی در وضعیت دینی و اخلاقی جامعه دارد. در نظام اقتصادی صحیح بر پایه مبانی اخلاقی می‌توان جامعه‌ای سرشار از سرمایه به همراه مطلوبیت زیستی را فراهم آورد. مهمترین چیزی که مجتمع بشری را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را موجب قوام اجتماعی قرار داده است. ما اگر انواع گناهان، جرائم و

جنايات و تعديات و مظالم را دقيقاً آمارگيرى كنيم و به جستجوى علت آن بپردازيم خواهيم ديد كه علت بروز تمامى آنها يكي از دو چيز است: اول فقر مفرط و دوم ثروت بى حساب است (طباطبايى، تفسير الميزان، ۳۳۰/۹)

در موضوع اقتصاد در جامعه در نظام اقتصادى قرآن اصولى پايه گذارى شده است، براى مثال در عرصه توليد، اعتقاد به رزاقيت الهى يكي از اصول اساسى در اين حوزه است. (هود، ۶) ايمان به قدر الهى يكي از اصول مهم ديگر است. (الحجر، ۲۱) خداوند متعال افزايش ايمان و اخلاق و تقوا و شكر را عامل افزايش نعمت و كفران، اسراف و طغيان را عامل از بين رفتن نعمتها مى داند (الاعراف، ۹۶؛ الابراهيم، ۷) در حوزه توزيع، خداوند متعال اصولى را در قرآن بيان مى نمايد؛ براى مثال پرهيز از كم فروشى (المطففين، ۱-۸) را هشدار مى دهد و يا به مبارزه با رباخوارى اشاره مى نمايد. (آل عمران، ۱۳۰-۱۳۱) در حوزه مصرف نيز قرآن به شدت به پرهيز از اسراف و تبذير توصيه مى نمايد. (الاسرا، ۲۷-۲۸) با جمع آورى آيات فراوانى كه در خصوص مسائل اقتصادى جامعه در قرآن مطرح شده است به اهميت موضوع اقتصاد پى مى بريم. همچنين يك نظام جامع و نگاه متفاوت به مسائل اقتصادى پيش روى ما قرار مى گيرد كه در عرصه هاى ديگر زيست اجتماعى نيز تاثيرات فراوان و عميقى دارد عرصه هاى كه تاثير فراوانى از نظام اقتصادى در جامعه مى پذيرد، عرصه زيست اخلاقى است. در اقتصادى كه بر پايه اخلاق بنا شده باشد، بايد پاسداشت حرمت انسان در نسبت با دارايى و روابط و مناسبات اقتصادى صورت پذيرد.

اقتصاد اخلاق مدار صفات و رفتارهاى است كه داراى آثار اقتصادى هستند و اين صفات و رفتارهاى اقتصادى امورى هستند كه در سه حوزه توليد، توزيع و مصرف مطرح مى شوند. (فتحعلى خانى، ۲۸۹/۱) با بررسى آيات و روايات نهج البلاغه مى توان نتيجه گيرى كرد كه قرآن و همچنين روايات اميرالمؤمنين موضوع معيشت و نظام هاى اقتصادى داراى اهميت فراوانى هستند اما با يك نگاه متفاوت از ديگر مكتب هاى اقتصادى در اين نوع نگاه بر كرامت انساني است و ايجاد شرايط مناسب اقتصادى در حوزه هاى توليد و مصرف براى

تمام مردم اصل است، اما تفاوت اصلی در این است که داشتن ثروت یا نداشتن آن به خودی خود یک فضیلت محسوب نمی‌شود، بلکه جامعه سرمایه‌دار زمانی می‌تواند یک جامعه مطلوب محسوب گردد که ثروت و سرمایه در اختیار اخلاق در جامعه قرار گیرد.

نکته حائز اهمیت این است همانطور که اقتصاد بستر ساز زیست اخلاق اجتماعی در جوامع بشری است، در نقطه مقابل، اقتصادی که صرفاً منفعت و سود محور باشد می‌تواند ضربات سنگینی به اخلاق جامعه وارد سازد. همانطور که اقتصاد در زیست اخلاقی تاثیرگذار است به تبع زیست اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی نیز تاثیر بسیاری در رشد اقتصادی جامعه دارد. ارزش‌هایی مانند امانت‌داری، احسان، منع دزدی، منع خیانت، منع رشوه، منع ربا، پرداخت زکات و خمس و... که همه اینها تاثیر مستقیم در رشد اقتصادی جامعه می‌توانند داشته باشند. با مراجعه به قرآن با بسیاری از اقوامی که سرنوشت آنها متأثر از رفتارها و ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی آنها بوده است، مواجه می‌شویم. بسیاری از این اقوام و ملل از اینکه فضیلت‌های اخلاقی را در مناسبات و نظامات اقتصادی کنار گذاشته‌اند و رذایل اخلاقی را در جامعه حاکم کرده‌اند به نابودی کشیده شده‌اند یا برعکس برخی از جوامعی که به تعالی و رفاه و توسعه دست یافته‌اند از فضایل اخلاقی در اقتصاد خود تاثیر پذیرفته‌اند.

۳-۱-۴. نظام امنیت اجتماعی اخلاق محور

مهمترین عامل برای رسیدن به جامعه‌ی دینی پایدار و با ثبات که مبانی دینی در آن اجرا گردد و مردم براساس مولفه‌های اخلاقی زیست اجتماعی صحیحی را تجربه کنند و دنیا و عقبای ایشان توأمان دارای صلاح گردد، موضوع امنیت است. یکی از ویژگی‌های عمومی جامعه مطلوب قرآن برقراری امنیت کامل و همه جانبه است. در سوره قریش در کنار تامین امنیت، معیشت را شاخصه اصلی جامعه مطلوب بر می‌شمارد: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ» (قریش، ۴)

افزون بر آیه مذکور، در قرآن امنیت و آرامش همراه با رفاه اقتصادی به عنوان ویژگی جامعه سعادت‌مند معرفی شده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (النحل، ۱۱۲) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید!

قرآن به مفهوم امنیت، در نظام معنایی خود یک رویکرد هدایتی دارد و آن را در پیوند با بخشی دیگر از مفاهیم اسلامی می‌داند؛ زیرا قرآن امنیت را یک نعمت مهم از طرف خداوند می‌داند. (الانفال، ۲۶) و فرجامی حتمی برای مومنان صالح می‌شمارد (النور، ۵۵) این آیه علاوه بر اشاره به موضوع فوق، نکته دیگری را نیز گوشزد می‌کند و آن اینکه از نظر قرآن امنیت می‌تواند زمینه ساز و بستر ساز مردم به عبادت خداوند متعال باشد. اگر در جایی امنیت رقم خورد، بندگی خداوند نیز به تبع آن خواهد بود و فقدان بستر خداوند به معنای فقدان امنیت واقعی است.

در نهج البلاغه مشاهده می‌کنیم که حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز به اهمیت امنیت توجه داشته است. او فلسفه وجودی نظام‌های سیاسی و حاکمیت را تامین امنیت برای مردم دانسته است در این امر هیچ فرقی بین نظام سیاسی دینی و غیر دینی قائل نشده است؛ چرا که اگر امنیت برای آحاد جامعه توسط هر حاکمیتی رخ ندهد، آن نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست خواهد داد؛ چرا که فلسفه وجودی این نظام تامین امنیت برای مردم است (سید رضی، خطبه ۴۰) امنیتی که در اندیشه و سیره امیرمومنان (ع) مشاهده می‌شود مانند هر مقوله دیگری کاملاً اخلاقی است، بدین معنا که درک امام از امنیت و ساختار آن مبتنی بر اخلاق است. امام روابط و مناسبات امنیتی را تابع اخلاق می‌جوید و تلاش می‌کند با راهبرد مجموعه ابزار حکومت در مسیر اخلاق و نیز راهنمودن مردم به اخلاق گرایی

امنیت در عرصه‌های مختلف را بر پایه اخلاق سامان دهد. چنین امنیتی فراگیر و درون‌زا است. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فراهم کردن امنیت همه جانبه را مقصد اساسی می‌دانست که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد.

با توجه به آیات مختلف قرآن کریم، همچنین معارف بلند نهج‌البلاغه می‌توان نتیجه گرفت امنیت یکی از اصلی‌ترین بسترهای زیست اجتماعی در هر جامعه بشری است که با وجود آن در ابعاد مختلف می‌توان زیست اخلاقی صحیح را نیز تجربه کرد. چرا که امنیت مایه آرامش و سکینه مردم است و در سایه این آرامش صدور فعل اخلاقی در جامعه بیشتر خواهد شد و همه آحاد جامعه در کنار هم زیست اخلاق اجتماعی را تجربه خواهند کرد.

۳-۲. مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه خرد و بین فردی

۳-۲-۱. اولین گام زیست اخلاق اجتماعی؛ دستیابی به بینش صحیح

در اسلام تاکید ویژه‌ای بر ساحت شناخت و معرفت انسان شده است و از مهمترین استعدادهای بشری شمرده می‌شود. توانایی شناختی و بینشی انسان محصول توانایی هوش و ادراک اوست. این امر از امتیازات انحصاری انسان است و در سایر موجودات یافت نمی‌شود. شناخت و بینش تاثیر عمیق و علی بر رفتار و گرایش انسان می‌گذارد و به عبارت دیگر آنها را متحول می‌سازد. اگر نگرش و بینش انسان به صورت صحیحی گیرد، برای تحول رفتار و گرایش نیز مهیا می‌شود و بسیاری از رفتارهای انسان تنظیم و اصلاح می‌گردد. انتخاب بینش صحیح در انسان موجب می‌شود که رفتارهای انسان جهت و شکل درستی به خود بگیرد. برای طرح ریزی یک زیست اخلاقی صحیح بینش صحیح از مولفه‌های اساسی به‌شمار می‌آید که به اختصار اشاره ای به زیر مولفه‌های آن خواهیم داشت.

۳-۲-۱-۱. توحید

عقیده به توحید و شرک علاوه بر اینکه دارای مبانی نظری است، در تمام شئون عملی

انسان نیز جاریست. با نگاهی به روابط اجتماعی میان کشورها و روابط مردم در زیست اجتماعی آنها می‌توان آثار این عقاید را به خوبی حس کرد. (جوادی آملی، تفسیر قرآن، ۱۸۸/۱۷) اعتقاد و باور انسان در نوع زندگی او بسیار موثر است. شناخت انسان از خدا و فهمی که از او دارد، تاثیر بس مهم در زندگی‌اش دارد، به طوری که این شناخت در گفتار، کردار و روش زندگی و منش رفتاری نقش داشته و آنها را می‌سازد.

باید دانست باور به توحید و خدانشناسی تنها امری ذهنی، فطری و قلبی نیست، بلکه امری است که می‌بایست در عینیت زندگی ظهور کند و در برنامه زندگی قرار بگیرد و در قول و فعل نمود داشته باشد. این امر از معرفت به خداوند متعال ناشی می‌شود، یعنی هر طور انسان خدا را بشناسد و او را دریابد بر همان اساس پایه‌های زندگی‌اش را استوار می‌سازد.

روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که دین اسلام دعوت به آن کرد ساری و جاری است و روح اخلاق نیز در اعمالی که افراد مجتمع مکلف به انجام آن هستند، منتشر است؛ پس همه اجزای دین اسلام اگر خوب تجزیه و تحلیل شوند به توحید برمی‌گردند و توحید اگر به حال در آید، به صورت اخلاق و اعمال در می‌آید. توحید اگر از مقام حالی به اعتقادی فرود آید، اخلاق و اعمال می‌شود و اگر اخلاق و اعمال از درجه نازل خود بالاتر روند توحید خواهند بود (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۷/۴) آنچه موجب ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی می‌شود توحید است. به عبارت دیگر اساس ارزش‌ها به رابطه انسان و خدا برمی‌گردد و ما از این امر به منشأ بودن توحید برای ارزش‌های اخلاقی یا منشأ بودن آن برای زیست اخلاقی تعبیر می‌کنیم (همان، ۲۵/۱) اعتقاد به توحید موجب می‌شود روابط بین فردی در زیست اجتماعی نیز بر این اساس بنا شود و روابط رنگ و بوی الهی بگیرد. به عبارت دیگر اگر دو انسان در یک جامعه در درجه عالی از رشد و کمال الهی، رابطه با یکدیگر برقرار کنند این رابطه بر مبنای وحدت میان ارواح آنان و احساس برین هماهنگی خواهد بود. (جعفری، ۲۸۸/۱۰)

امیرالمؤمنین در حکمت ۸۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

امیرالمؤمنین (ع) در این بیان نورانی به نکته مهمی اشاره می‌نماید، اینکه در زیست اجتماعی خود و در تمام شئون حیات خود در مقابل هر امر قرار می‌گیرند، نخست نگاه می‌کنند که رضای خدا در چیست و اگر رضای خدا در آن امر باشد، آن فعل را انجام می‌دهند. براساس آیات و روایات جهان بینی انسانی در مواجهه او با پدیده‌ها بسیار تاثیرگذار می‌باشد است و یکی از مهم‌تر مهمترین بینش‌ها در معارف دینی بینش توحیدی است که پایه و اساس تمامی مفاهیم دینی است. اگر نگاه توحیدی در یک جامعه‌سازی و جاری گردد، نتیجه بسیار شگفت‌آور خواهد بود. بدین معنا که مردم یک زیست اخلاقی اجتماعی در بالاترین سطح و متعالی خواهند داشت و آحاد جامعه از حضور در جامعه و معاشرت با دیگران در این اجتماع کمال لذت و بهره را خواهند برد.

۳-۲-۱-۲. معاد و نقش آن در زیست اخلاق اجتماعی

باور به معاد در ساماندهی و اصلاح رفتار اخلاقی انسان در عرصه‌های مختلف زندگی نقش‌آفرینی می‌کند و بدین ترتیب انسان نتایج اعمال خویش را در آباد شدن آخرت و دنیای خود به دست می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم در دو ساحت در خصوص تاثیر باور به معاد در اخلاق سخن می‌گوید، از سویی در مورد تاثیر باور معاد در صدور فعل اخلاقی از انسان سخن می‌گوید و دیگری در مورد تاثیر عدم باور به معاد در ترک ارزش‌های اخلاقی آیاتی را بیان نموده‌اند. در بسیاری از آیات قرآن وقتی از رفتار اخلاقی گفتگو می‌شود با عنوان‌هایی همچون ایمان به معاد، محبت به خداوند، تصدیق معاد، ترس و خوف از دوزخ، گرایش و طمع به بهشت، حساب و کتاب، سپاسگزاری و شکر در برابر خداوند همراه می‌شود تا معلوم گردد که اصولاً اخلاق و پذیرش اصول اساسی آن مساوی با پذیرش رستاخیز و

معاد است و بین این دو یک رابطه علی و معلولی برقرار است (البقره ۳ و ۴)

مسئولیت اخلاقی در برابر خداوند متعال، اعتقاد به معاد را در پی دارد؛ چرا که حکمت خداوند ایجاب می‌کند که جهان دیگری باشد و در آنجا مشاهده هدف‌گیری‌های انسان، همچنین کردار و گفتار او محقق گردد در این هنگام ابدیت برای انسان شروع می‌شود و مسئله تقسیم انسان به شقی و متوسط به میان می‌آید. (جعفری، ۱۵۰/۴)

نکته حائز اهمیت اینجاست که ایمان به معاد و نگاه به آخرت صرفاً برای بهشت یا دوری از جهنم نیست. اصل اساسی در اخلاق رسیدن انسان به کمال متعالیست چرا که معاد یک زندگی دوباره برای انسان بوده و سرای همیشگی انسان است و وی خود را برای آن زندگی ابدی باید آماده بکند و از پل دنیا به سلامت عبور کرده و به مقصد نهایی برسد. حضرت امیرالمؤمنین در این خصوص می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَفَرِّكُمْ» (سیدرضی، خطبه ۲۰۳)

از نکات فوق‌الذکر و آیات شریفه قرآن و بیانات نورانی حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌توان نتیجه گرفت که معادباوری و توجه به سرای آخرت یکی از بنیادی‌ترین مبانی زیست اخلاق اجتماعی و البته فردی که نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم رفتار و اخلاق انسان‌ها در سطوح مختلف دارد و توجه و عدم توجه به این امر آثار مثبت و در نقطه مقابل، ویرانگری در زیست اجتماعی آحاد جامعه دارد.

۳-۲-۱-۳. شناخت انسان و تاثیر آن در ساخت زیست اخلاق اجتماعی

انسان مهمترین موضوع آفرینش و خلقت در عالم هستی است به تبع آن انسان‌شناسی نیز به عنوان مهمترین موضوع شناختی در هر مکتبی مطرح است، انسان‌شناسی بر هر چیزی مقدم است از جمله علم اخلاق؛ به همین دلیل است تا ندانیم انسان کیست و ماهیت او چه چیزی است واجد و یا فاقد روح است یا نه، و موضوعات متنوع دیگر، نمی‌توان از بایدها و نبایدها سخن گفت. (کازرونی، ۱۷۱/۹۴) از آنجایی که محور اخلاق مخصوصاً

اخلاق اجتماعی، انسان است، ضرورت دارد موضوع شناخته شود.

آموزه‌های قرآن کریم یک تصویر واقع‌بینانه از حالات و رفتار انسان را ارائه می‌کند این تصویر واقع‌بینانه در مقابل تصاویری که خوش‌بینانه محض و یا بدبینانه محض هستند. در نگاه قرآن انسان یک موجودی است که دارای یک سرشت جهت‌دار است و در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها موضع یکسانی ندارد، گرایش به حق در سرشت انسانی هم در عالم درون و هم در عالم برون آمیخته شده است (الروم، ۳۰)

شناخت انسان و استعدادهای درونی می‌تواند نقش فراوان و موثری در اخلاق به دنبال داشته باشد از بین قوای نفس عقل شریف‌ترین نیرو در وجود انسان است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۵۷/۳) رشد جنبه‌های وجودی انسان ذیل نظارت عقل مایه آرامش و راهیابی انسان به سعادت است و شاخص اصیل زیست انسانی عقل بوده و کیفیت حیات بشری بستگی به کیفیت حاکمیت عقل در زندگی انسان دارد. شناخت انسان باب ورود به همه امور انسانی می‌باشد و نوع شناخت انسان تعیین‌کننده همه ابعاد و ساحات زندگی انسان است و نوع نظام زندگی بشر را تعیین می‌کند شناخت انسان و ارزش‌ها و استعدادهای خویش بهترین شناخت‌هاست و هیچ چیزی مانند او آدمی را کفایت نمی‌کند تا انسان خود را شناسد و به گوهر وجودی خود که بالاترین و والاترین گوهرهاست آگاه نباشد، در مسیر تربیت حقیقی خود و شکوفا شدن استعدادهای خویش گام بر نمی‌دارد. بر همین اساس است که حضرت امیر(ع) فرموده است: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ» سودمندترین معرفتها شناخت نفس است. (خوانساری، ۱۷۲/۶)

همه احکام اجتماعی اسلام در ساحت‌های مختلف من جمله اخلاق ارتباط مستقیمی با شناخت انسان دارد؛ زیرا تا انسان درست شناخته نشود، روابط و نیازهای او نیز مشخص نمی‌شود. احکامی که برای موجود باید اعمال گردد نیز به دست نمی‌آید. ما در سایه وحی می‌توانیم هر آنچه خداوند بر ما نازل کرده است را بپذیریم. اگر حقیقت وجود آدمی مکشوف نگردد، کمالاتی که اخلاق پسندیده ممکن است به دست بیاید مشخص نمی‌گردد،

حتی معیارهای صحیح اخلاق نیکو و تشخیص آنها از اخلاق نکوهیده نیست به صورت کامل به دست نمی‌آید.

۳-۲-۱. نگاه به دنیا و تاثیر آن در ساخت زیست اخلاق اجتماعی

برای درک هرچه بهتر دنیا در بینش اسلامی می‌توان اثر این جایگاه در شقاوت و سعادت انسان را ملاحظه نمود. انسان در سیر تکاملی خود در محیط دنیا قرار می‌گیرد و همه رشد و کمال او به استفاده درست از این جایگاه مربوط می‌شود. دنیا یک برهه نقش آفرین در حیات انسان است و رقم زننده شقاوت و یا سعادت او خواهد بود. تمام رشد و حرکت تکامل انسان در این برهه صورت می‌پذیرد؛ لذا شناخت دقیق این جایگاه به همراه ایجاد یک رابطه صحیح با آن برای هر انسانی اهمیت بسیار بالایی دارد. حضرت امیر در مدح دنیا می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا...» (سیدرضی، حکمت، ۱۳۱) متون دینی، جهان را در حیات ناپایدار و زودگذر مادی منحصر ندانسته‌اند و با اعتراف به عظمت دنیا همواره یک حیات دیگر که عظمت بیشتری دارد را گوشزد می‌نمایند؛ بنابراین انسان از دیدگاه اسلام، با اینکه میوه‌ای از میوه‌های درخت این دنیاست، ولی دامنه حیات و وجودش تا ماورای دنیا گسترده گردیده است. قهراً این انسان با این اهمیت نباید هدف غایی خود را مادیات و دنیا قرار دهد و خود را به دنیا بفروشد. (مطهری، بیست گفتار، ۲۴۶-۲۴۷) می‌توان به دنیا به دو شیوه نگریست: یک نگاه آلی است که انسان دنیا را وسیله و آلت برای رسیدن به هدف متعالی و مقصد نهایی خود بداند و نگاه دیگر نگاه استقلالی است که دنیا را فی نفسه ترجیح دهد و به آن توجه نماید؛ به عبارت دیگر نگاه به دنیا یا خود دنیاست برای آخرت. (غضنفری، ۴۹۸/۱) امیرمؤمنان(ع) راه را به نگاه به دنیا و نگاه با دنیا تقسیم کرده است: «مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا بَصَرَتَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا اَعْمَتَهُ» (سیدرضی، خطبه ۸۱) اگر انسان با چشم بصیرت به دنیا نگریست دنیا به او درس و پند و اندرز می‌دهد و یک وسیله برای صعود در کمالات معنوی و روحی می‌گردد. از

سوی دیگر دنیا می‌تواند انسان را کور کند و چشم حقیقت بین او را ببندد و وسیله نابودی و هلاکت وی را فراهم آورد. دنیا و نگاه ما به آن از اصول اساسی در ساخت یک زیست اخلاقی اجتماعی است. به این معنا که نگاه درست به دنیا منجر به صدور افعال اخلاقی از آحاد افراد در جامعه خواهد شد که یک جامعه مطلوب سرشار از مهر و محبت و همدلی را ایجاد خواهد کرد. در غیر این صورت دنیا محل تاخت و تاز و مسابقه برای به دست آوردن منفعت بیشتر به هر قیمتی خواهد شد که این خود آغاز پایان اخلاق در جامعه است.

۳-۲-۲. گام دوم زیست اخلاق اجتماعی؛ ایجاد گرایش صحیح

یکی از مهمترین مؤلفه‌های موثر بر رفتار انسان، گرایش‌های درونی و امیال آدمی است. به همین دلیل بسیاری مباحث در علوم انسانی مختلف از جمله علوم تربیتی، مدیریت، روانشناسی و اخلاق با گرایش‌های انسان پیوند خورده‌اند. مراد از گرایش همانطور که در فلسفه نیز مصطلح است کششی درونی است که موجب حرکت انسان به سمت چیزی و توجه انسانی به پدیده‌ای می‌شود. (شیرازی، ۷۸/۴)

قرآن ارزشیابی رفتار انسان را در گرایش‌های فردی و اجتماعی، همچنین در موضع‌گیری‌های او با دو معیار اساسی حب و بغض ارزیابی می‌نماید و در قرآن جهت‌گیری‌ها با این مبنا نکاتی را بیان می‌نماید (التوبه، ۲۴) در آیه ۲۴ توبه به خوبی بیان می‌دارد که ملاک ارزیابی در افعال انسان گرایش و کشش اساسی به سمت خداوند بوده و اولویت دادن ایشان و فرستادگان او در حب بر دیگران از ملاک‌های ارزش گذاری انسان‌ها است، پس باید گفت که متعلق حب و بغض در تاثیر آنها بر انگیزش اخلاقی بسیار اهمیت دارد. اصل وجود حب و بغض در انسان‌ها یک امر فطری محسوب می‌گردد (ارفع، ۱۱۸/۱)

تلاقی بحث محبت با زیست اخلاق اجتماعی در آنجایی است که هرگونه محبتی به دیگران به خاطر خدا و در راه خدا باشد صرفاً از روی معیارهای دنیوی و یا تمایلات شخصی نباشد و اینکه انسان کسی را که مورد محبت خداوند و در مسیر هدایت اوست

دوست بدارد هرچند که از نظر برخی مسائل کم اهمیت و فرعی تر توافق کامل با او نداشته باشد. محور تمامی افعالی که انسان به صورت اختیاری انجام می‌دهد میل و دوست داشتن است انسان بدون محبت نمی‌تواند زندگی کند قرآن او را یک فاعل مختار با اراده می‌داند اختیار و اراده فرع بر علاقه است انسان چیزی را اراده می‌نماید که مورد رغبت و محبوب او باشد همچنین از منفعت آن آگاه باشد دل بسته باشد تا اراده کند. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۳۴۹/۲) هیچ کار اختیاری و ارادی وجود ندارد که انجام دهنده آن رضایت، محبت، میل، گرایش و کششی نسبت به آن نداشته باشد کسی که یک داروی تلخ را می‌خورد و یا خود را در اختیار جراح قرار می‌دهد تا بخشی از بدن او را عمل کرده و قطع نماید از روی علاقه به خود و جهت سلامت خود این کار را انجام می‌دهد. (مصباح یزدی، ۹۸) امیرالمؤمنین (ع) دو گرایش اصلی نسبت به دنیا و آخرت را بیان نموده و متذکر می‌شود که محبت به دنیا ستیز با آخرت را به همراه داشته و نزدیکی به هر یک دوری از دیگری را در پی خواهد داشت. (سیدرضی، حکمت ۱۰۳) در حقیقت انسان به چیزی گرایش پیدا می‌کند که قبلاً آن را فهمیده باشد به عبارت دیگر محبت انسان و گرایشهای او از روی ناآگاهی و بدون علم نخواهد بود؛ چرا که انسان موجودی مختار و عالم است، تمام گرایش‌های او با رهبری فطرت صورت می‌پذیرد (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۳۸/۸)

گرایش فطری انسان به صورت خرد و در جامعه به صورت کلان، سبب ایجاد وحدت و هماهنگی در روح و روان گردیده و سلامت روان را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از آنجایی که انسان‌های موحد به صورت خالصانه تسلیم یک نفر و یک قدرت مطلق هستند به یک آرامش روحی و وحدت می‌رسند (مطهری، فلسفه اخلاق، ۲۵) در نتیجه باید بیان داشت که بیش صحیح در انسان گرایش و میل به حرکت ایجاد می‌کند که اگر این گرایش‌ها در مسیر درست و حقیقی خود قرار بگیرد حتماً نتایج مطلوبی خواهد داشت به این معنا که میل انسان به سمت اخلاق و زیست اجتماعی مطلوب خواهد بود و در غیر این صورت انسان دچار اختلال در گرایش شده و نتیجتاً اختلال در رفتار و اخلاق را در پی خواهد داشت.

۴-۲-۳. گام سوم تحقق زیست اخلاق اجتماعی؛ صدور کنش اخلاق مدارانه

هر فعالیتی که علاوه بر جنبه روحی و روانی جنبه جسمانی نیز داشته باشد، رفتار محسوب شده به عنوان کنش از آن نام برده می‌شود. در این ساحت از انسان با اختیار سر می‌زند، قرار می‌گیرد، اعم از آنکه این اعمال و رفتار درونی بوده و یا به کارگیری جوارح بوده باشد. در قرآن کریم تمام عباداتی که برای انسان ذکر گردیده است در ساحت کنشی قرار می‌گیرد ایمان به غیب، اقامه نماز، روزه گرفتن، انفاق پرهیز از کفر از اولیای الهی، شکرگزاری نعمت‌ها، صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت، قرائت قرآن شرکت فعال در مناسب مراسم عبادی. (گروهی از نویسندگان، ۲۳۲ تا ۲۳۸)

پس از کسب بینش صحیح و رسیدن به یک گرایش صحیح زمینه برای صدور کنش و فعل اخلاقی در انسان ایجاد می‌شود که این کنش صحیح بر اساس آیات قرآن و بیانات امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه شامل مولفه‌های زیر می‌گردد:

۴-۲-۳-۱. احسان

از جمله مفاهیمی که در قرآن کریم بسیار به کار رفته است احسان است؛ از نگاه اسلام احسان یکی از تکالیف اخلاقی بسیار مهم و اساسی در زیست اجتماعی دینی به حساب می‌آید با بررسی آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیم که احسان براساس نوع کاربرد آن در سه معنا به کار گرفته شده است یک. انجام کار نیک، دو. نیکی کردن به دیگری و سه انجام کاری به شکل کامل آن (علی اسدی، ۹۶) احسان از مهم‌ترین مولفه‌ها در زیست اخلاق اجتماعی احسان است که خداوند در قرآن به آن امر نموده است (النحل، ۹۰)

به همین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۲۳۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ، وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» چرا که برقرار شدن نظم جامعه انسانی بدون احسان و عدل و انصاف امکان‌پذیر نخواهد شد. یکی از مهمترین کارکردهای احسان در حوزه زیست اجتماعی می‌توان به دوستی و صمیمیت بین آحاد جامعه اشاره نمود که موجب تقویت

پیوندهای اجتماعی می‌گردد. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره فصلت به این موضوع اشاره نموده و احسان را عامل صمیمیت و گرمی روابط می‌داند: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

در این آیه شریفه نکته مهمی را زیست اخلاق اجتماعی اشاره می‌نماید و آن اینکه در مقابل بدی‌ها نیز امر به احسان گردیده‌ایم که اگر این امر محقق شود حتما جامعه رو به صلاح و آرامش خواهد رفت و نفرت‌ها و بدی‌ها به دوستی‌ها و محبت‌ها تغییر خواهند یافت که در این صورت است که جامعه رنگ سعادت رو به خود خواهد دید.

۲-۳-۲-۴. وفای به عهد

زندگی انسانی در زیر سایه مناسبات و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد آن چیزی که مناسبات اجتماعی و روابط ما را قابل اطمینان و سالم می‌سازد، پابندی به عهد و پیمان است وفای به عهد در زیست اجتماعی رکن اساسی زندگی انسانی است و غفلت و سستی در آن تبعات بسیار سنگینی در جامعه خواهد داشت و هیچ امر اجتماعی در جامعه به سلامت به ثمر نخواهد نشست. (دلشاد تهرانی، ۸۷۵)

خداوند متعال در قرآن کریم خود را با وفاترین به شمار آورده و می‌فرماید: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (التوبه، ۱۱۱) امیرمومنان (ع) نیز پیمان بین مردم را عهد الهی می‌داند چرا که در حریم الهی منعقد گشته و گویی دست خدا در آن پیمان است و شکستن پیمان و عهد به منزله شکستن پیمان خداوند و حرمت الهی است. (سیدمحمد مهدی جعفری، ۱۳۹۳) از آنجایی که انحراف در جامعه سبب دگرگون گشتن ارزش‌های صحیح اخلاقی می‌شود گاه فریب، نیرنگ و پیمان شکنی نوعی هوشیاری و ذکاوت به حساب می‌آید. در نقطه مقابل پابند بودن به پیمان و عهد ساده لوحی قلمداد می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۴۵۸/۲-)

۴۴۵) در صورتی که وفای به عهد در اقشار مختلف جامعه محقق گردد ما یک جامعه سالم و موفق خواهیم داشت و اگر در جامعه طبقات مختلف آن مورد احترام قرار گیرند و به حقوق حقه‌ی خود دست یابند عدالت اجتماعی، آسایش و امنیت انسان‌ها در آن جامعه برقرار گشته و همه از رحمت گسترده الهی بهره‌مند خواهند شد. «وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَدِمَّتَهُ أَمْنًا أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَحَرِيمًا يَسْكُنُونَ إِلَيْهِ مَنَعَتِهِ، وَيَسْتَفِيزُونَ إِلَيْهِ جِوَارِهِ» (سیدرضی، نامه ۵۳) خداوند عهد و پیمانی را که با نام او منعقد می‌شود به رحمت خود مایه آسایش بندگان و حریم امنی برای آنها قرار داده تا به آن پناه برند و برای انجام کارهای خود در کنار آن بهره بگیرند.

۴-۲-۳-۳. امانت داری

امانت‌داری به عنوان یکی از مهمترین فضیلت‌های اخلاقی در حوزه تعاملات اجتماعی به حساب می‌آید در بسیاری از روایات این فضیلت اخلاقی به عنوان نشانه و شاخص دینداری و ایمان مطرح گردیده است و کسی را که امانتدار باشد بی‌دین اطلاق شده است. در آیه شریفه ۱۲۵ سوره مبارکه شعرا امانت داری به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های انبیا نام برده شده است، از طرف دیگر در آیه ۸ سوره مبارکه مومنون امانت داری به عنوان یکی از برجسته‌ترین صفات مومنین واقعی بیان گردیده است. امیرالمومنین (ع) یکی از ویژگی‌های متقین را حفظ امانت می‌داند و می‌فرماید: «لَا يُضَيِّعُ مَا اسْتُحْفِظَ» (سیدرضی، خطبه) آن چه را به او سپرده اند ضایع نمی‌کند. نکته حائز اهمیت اینکه امانت دو معنا را معنای خاص که شامل امانت‌های مالی مردم شده که در نزد یکدیگر می‌سپارند و حفظ آنان از واجبات قلمداد گشته و معنای عام که شامل هرگونه موهبت و مسئولیت الهی است به این ترتیب دامنه معنایی امانت بسیار گسترده شده و همه چیز را در بر می‌گیرد اعم از عمر ما کشور ما فرزندان ما حکومت‌های الهی همه و همه امانت‌هایی قلمداد می‌شوند که به ما سپرده شده است و نباید در آنها خیانت صورت پذیرد. (مکارم شیرازی، شرح تازہ و

جامعی بر نهج البلاغه، ۷/۷۴۵-۷۳۹) این مولفه‌ی اساسی در زیست اخلاق اجتماعی بسیار تاثیرگذار است چرا که نوع انسان در دنیا با معاونت و همکاری یکدیگر می‌تواند زندگانی راحتی داشته باشد زندگانی انفرادی برای هیچ کس میسر نیست زندگی اجتماعی نیز چرخش بر محور اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد که پایه اعتماد هم بر امانت و ترک خیانت گذاشته شده است (امام خمینی، ۴۷۶)

ع-۲-۳-۴. صداقت

صدق و راستی در مقابل آن کذب و دروغگویی از جمله مسائل اخلاقی است که در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل ملاحظه است در بادی امر به نظر می‌رسد صدق و کذب دو خصوصیت انسانی است که جنبه فردی دارد اما با توجه به این که انسان در مقام سخن و محاوره مخاطباتی خواهد داشت صدق و کذب از جنبه فردی خارج شده و به تدریج جنبه اجتماعی پیدا می‌کند (مجید معارف، ۳۱۲) قرآن کریم صداقت مردان و زنان را ویژگی‌های بارز انسان‌های با ایمان شمرده که موجب پاداش بزرگ الهی و آمرزش آنان می‌گردد. (الاحزاب، ۳۵، آل عمران، ۱۷) در نقطه اوج ارزش گذاری صداقت در قرآن کریم خداوند متعال وقتی عملی را که در آخرت برای انسان سودمند است را بیان می‌دارد تنها از صداقت نام می‌برد (المائد، ۱۱۹).

حضرت امیر بیان می‌دارد که «الْصِّدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ» (آمدی، ۲۸۱/۱) و همچنین به دوری از دروغ تاکید می‌فرمایند: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ» (سیدرضی، خطبه ۸۶)

با بررسی آیات و روایات به گستردگی مفهوم صدق که در برگیرنده باورها، نیت‌ها و رفتارهای اخلاقی انسان است پی می‌بریم، این گستردگی به گونه‌ای است که هیچ حوزه‌ای از عمل صالح، ایمان و تقوای الهی از همه لحاظ و با همه مصادیق خود از گستره شمول صدق خارج نمی‌گردد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۴۲۹/۱) به نظر می‌رسد دلیل تاکید

فراوان بر صداقت آثار بسیار مثبت و سازنده صداقت آن در زیست اجتماعی و ایجاد اعتماد افراد جامعه برمی‌گردد و این امر زمینه‌ساز نیل به بسیاری از کمالات فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون و ایجاد یک فضای سالم و قابل اعتماد در افراد جامعه می‌گردد در سمت مقابل آن دروغ‌گویی موجب سلب اعتماد از افراد جامعه گردیده و زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد و بی‌اخلاقی‌ها را در جامعه رقم می‌زند.

۴-۲-۳-۵. حسن ظن

از دیگر مولفه‌های اصلی در زیست اخلاق اجتماعی حسن ظن است در اخلاق حسن ظن به معنای آن است که انسان هر فعلی را که از دیگران مشاهده می‌نماید و یا هر سخنی را که از او می‌شنود آن را به بهترین شکل حمل کند و تکذیب او را ننماید. (نراقی، ۲۳۳) دستور اسلامی و اخلاقی مبتنی بر حسن ظن مومنین نسبت به همدیگر یکی از حساب شده‌ترین و جامع‌ترین دستورات در زمینه روابط اجتماعی انسان‌ها به حساب می‌آید که مسئله امنیت را به طور کامل در یک جامعه تضمین می‌نماید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۸۳/۲۲) خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره مبارکه نور به نکته جالبی توجه می‌دهند؛ به جای اینکه تعبیر شما درباره متهم به تهمت بیاورند می‌گویند نسبت به خود حسن ظن داشته باشید این تعبیر اشاره به این دارد که جان مومنان از همدیگر جدا نبوده و همه به منزله یک نفس واحد هستند اگر اتهامی به یکی از آنها متوجه گردد گویی به همه آنها اتهام وارد شده است و همانگونه که هر کس در دفاع از خویش جانانه تلاش می‌نماید باید به همان اندازه از برادران و خواهران دینی خود نیز دفاع نماید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۹۸/۱۴)

امیرالمومنین (ع) نیز همواره دعوت به خوش‌بینی نموده و می‌فرماید: «لَا تَظُنُّ بِكَ لِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا، وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا» (سیدرضی، حکمت ۳۶۰) حسن ظن موجب به وجود آمدن دوستی و محبت و علقه و مودت در میان افراد جامعه شده و از سلب اعتماد و پراکندگی جلوگیری می‌نماید، زمینه‌های همکاری که بر پایه اعتماد قرار

دارد بیشتر می‌گردد حسن‌ظن و مثبت‌نگری به دیگران از مهم‌ترین لوازم و مقدمات ارتباطات اجتماعی است و زندگی اجتماعی بدون آن بسیار دشوار شده و سوءظن افراد جامعه به همدیگر آن جامعه را فلج می‌نماید و در آن جامعه اختلال ایجاد می‌گردد.

۴-۲-۳-۶. انفاق

انفاق یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی اجتماعی و تربیتی است که در اسلام به آن بسیار سفارش شده است قرآن کریم به صورت مبسوط و گسترده به آن پرداخته است از جمله «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (البقره، ۳؛ الانفال، ۳؛ السجده، ۱۶؛ الشوری، ۳۸؛ القصص، ۵۴؛ الحج، ۳۵) عبارات مترادف آن «وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (ابراهیم، ۳۱) «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (فاطر، ۲۹؛ الرعد، ۲۲) «فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (الطلاق، ۷) یکی از آثار خوشایند انفاق در جامعه سلامت و امنیت در جامعه است این دو از لوازم بسیار پراهمیت حیات اجتماعی به حساب می‌آیند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۹۶/۱)

این موضوع در بیانات علی (ع) نیز بدان اشاره شده است که انفاق و صدقه مفهوم بسیار وسیعی دارد در معارف علوی انفاق در علم والایر از انفاق در مال است. به تعبیر بعضی از مفسران خودداری نمودن از انفاق در راه خدا هم سبب مرگ روح انسان به خاطر داشتن بخل می‌گردد و هم مرگ جامعه را به خاطر ناتوانی و عجز مخصوصاً نظام اسلامی که بر پایه نیکوکاری بنا شده است به همراه خواهد داشت.

۴-۲-۳-۷. حلم

از دیگر مؤلفه‌های بسیار مهم و حیاتی در زیست اخلاق اجتماعی و در مواجهه با دیگران می‌توان به حلم اشاره نمود. خداوند متعال در خصوص زیست اجتماعی و نحوه مواجهه با دیگران در شرایط سخت اینگونه می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

امیرالمؤمنین(ع) به آثار مختلف حلم اشاره می‌نمایند که اولین آنها آرامش در برابر سختی‌های می‌دانند و می‌فرمایند: «الْحِلْمُ وَالْأَنَاءُ تَوَامَنُ، يُنتِجُهُمَا عُلُوُّ الْهَمِّ» (سیدرضی، حکمت ۴۶۰) از آثار دیگر حلم تکثیر اطرافیان انسان است (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۸) همچنین حضرت حلم را موجب عزت می‌داند (سیدرضی، حکمت ۱۱۳) و از افراط و تفریط نیز جلوگیری می‌نماید (سیدرضی، حکمت ۳۱) با بررسی اثرات و نتایج حلم به این نتیجه می‌رسیم که اگر این فضیلت اخلاقی در زیست اجتماعی ما جاری شود منافع بسیار زیادی را در پی خواهد داشت که از جمله آن آرامش و زیست همدلانه در جامعه می‌باشد.

۴-۲-۳-۸. رفق و مدارا

یکی از مولفه‌های دیگر در زیست اخلاق اجتماعی رفق و مداراست، تاکید مکرر قرآن کریم بر این اصل نشان دهنده اهمیت این موضوع در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَطًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹) فلسفه اصلی تساهل و تسامح در اسلام نزدیک ساختن دل‌های مومنین به همدیگر است به بیان دیگر قلمرو مدارا در درون نظام اسلامی می‌باشد. یکی از صفات خداوند متعال رفیق است انسان نیز باید به مانند پروردگار خویش به این صفت الهی متصف گردد تا صلح و آرامش در جامعه برقرار شده و کینه‌ها از میان برود، قرآن کریم واقعیت رفق و مدارا را این چنین بیان می‌دارد: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) تعبیر کانه ولی حمیم در آیه به این مطلب اشاره دارد که شاید طرف مقابل شما، دوست صمیمی شما نگردد ولی لااقل در ظاهر دست از دشمنی برداشته و با شما دوستی خواهد کرد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲/۲۸۳) یکی از مهمترین عوامل قوام زیست اجتماعی و استحکام آن پیاده سازی رفق و مدارا در جامعه است امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «أَرْفُقْ تُوَفَّقْ» (آمدی، ۱/۳۸۴) نرمی کن تا موفق شوی یا در جای دیگر حضرت فرموده: بِالرَّفْقِ

تَدْوُمُ الصُّحْبَةِ/ دوستی و مصاحبت، بارفق و مدارا دوام می‌یابد. (همو، ۲۳۷/۳) در همه جوامع و تمامی اقطار زمین به دنبال ایجاد پایداری و ثبات در زندگی اجتماعی هستند و رفق و مدارا یکی از مهمترین مولفه‌های ثبات می‌باشد.

۴-۲-۳-۹. عفت و حیا

عفت یک نوع ملکه فضیلتی و خلقی است که قوه شهوانی انسان را کنترل کرده و زیر پوشش خود قرار می‌دهد و تدبیر عقلی بر این قوه مسلط می‌شود (طوسی، ۹۸۷) در آیات قرآن کریم همواره حیا در ارتباط با نحوه رفتار انسان مطرح می‌گردد از جمله حیاي زنان و حتی زنان سالخورده با پوشش مناسب (النور، ۶۰) حیاي آدم و پوشاندن عورت‌های خود با برگ‌های درختان بهشتی (الاعراف، ۲۲، الطاهّا، ۲۱) یا حیا در گفتار و سخن (الاحزاب، ۳۳؛ البقره، ۲۸) که همه این‌ها بیانگر یک نوع رفتار اجتماعی است. عفت عرصه‌های مختلفی دارد که در قرآن بدان اشاره گردیده است عفت در نگاه (النور، ۳۰ و ۳۱) عفت در پوشش؛ عفت در کلام؛ امیرالمؤمنین (ع) نیز در خصوص عفت و حیا می‌فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوْبَهُ، لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ» کسی که حیا لباس خود را بر او بیوشاند، مردم عیب او را نخواهند دید. (سیدرضی، حکمت ۲۳۳)

به صورت کلی می‌توان گفت عفت و حیا یکی از مولفه‌های مهم و موثر در زیست اخلاق اجتماعی به حساب می‌آید چرا که توجه به آن و پیاده‌سازی آن در جامعه، یک اجتماع سالم و امن برای آحاد آن را در پی خواهد داشت.

نتایج مقاله

با توجه به آنچه گذشت می‌توان در مورد مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی نتایج و یافته‌های زیر را مرور کرد:

۱. نتیجه به دست آمده از بررسی مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی این است که اخلاق

و زیست اخلاق صرفاً گزاره‌های تک بعدی اخلاقی نیستند و دارای ابعاد مختلفی است انسان و جامعه‌ی اخلاق‌مند، انسان و جامعه‌ای است که در هر همه امور فوق‌الذکر به سامانی درست رسیده باشد. فعل اخلاقی بدون بسامانی بینش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها معنا نمی‌یابد، و از این روست که توصیه‌های اخلاقی در جهت اصلاح ویژگی‌ها و کردار اخلاقی، بدون اصلاح موارد یاد شده، راه به جایی نمی‌برد، و اصلاحی بنیادی و جامع در اخلاق فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف، آن گونه که باید معنا نمی‌یابد.

۲. با دقت در مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی می‌توان دریافت که یکی از اساسی‌ترین نتایج توجه به این مهم، ایجاد و گسترش اعتماد اجتماعی در جامعه است اعتماد اجتماعی در سایه زیست اخلاقی افراد در جامعه محقق می‌شود جامعه‌ای که روابط اجتماعی افرادش براساس اخلاق مداری همچنین تعاملات و کنش‌های اجتماعی آنها بر مبنای ارزش‌ها و هنجارها شکل بگیرد زمینه اعتماد را در میان افراد آن جامعه گسترش خواهد یافت.

۳. از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره نمود که زیرساخت لازم در صدور فعل اخلاقی صرفاً با میل و انگیزه‌ی فردی محقق نخواهد شد بلکه سازوکارها و نهادهای اجتماعی باید بستر صدور فعل اخلاقی را ایجاد نمایند به بیان دیگر تا فضای عمومی جامعه در نهادهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... فراهم نباشد زیست اخلاق اجتماعی به خوبی در جامعه فراگیر نخواهد شد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن مسکویه، محمد بن حسن، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، قم، بی تا.
۵. ارفع، کاظم، اخلاق در قرآن، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۶. ادیبی، افسانه و همکاران بررسی و تبیین رویکر اعتماد اجتماعی براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز راهبرد اجتماعی فرهنگی شماره ۱، ۱۳۹۰.
۷. اسدی، علی، مفهوم‌شناسی و مصادیق احسان در قرآن، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۸.
۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرالحکم و دررالکلم، مقدمه و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۹. بابایی، حبیب‌الله، خراسانی رضا، رهدار، احمد، کرمی قهی محمدتقی، جستاری نظری در باب تمدن، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۱۱. همو، تفسیر قرآن کریم، قم: اسرا، ۱۴۰۰.
۱۲. جعفری تبریزی، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۱۳. حق‌شناس، حمیدرضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجاده، ناشر: دفتر عقل، قم، ۱۳۸۸.
۱۴. خیراللهی، زهرا، نظام تربیت اخلاقی در نهج البلاغه، فصلنامه النهج، شماره ۴۰، بهار ۹۳.
۱۵. خوشفر، غلامرضا، ۱۳۷۴، مقایسه تحلیلی ارزش‌های خانواده، مدرسه، گروه همسالان از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های تهران، طرح تحقیقاتی انجمن اولیاء و مربیان.
۱۶. خمینی، روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۹۴.
۱۷. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غرالحکم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش، ج ۶، ص ۳۹۳.
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، رخساره خورشید، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۹۴.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۲۰. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، نشر دارالعلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۱. شریعتی، علی، امت و امامت، تهران، قلم، ۱۳۵۷ هـ.ش.
۲۲. ظاهر، یعقوب گام به گام با امام، ترجمه گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر ۱۳۳۱ هـ.ش.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۵، ۱۳۷۱.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، اخلاق ناصری، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲۷. غضنفری، علی، اخلاق در قرآن و سنت، تهران، دانشکده علوم قرآنی، ۱۳۹۲.
۲۸. فتحعلی خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، قم، شهریار، ج ۱، ۱۳۷۹.
۲۹. کازرونی، سیدمصطفی بررسی تطبیقی انسان‌شناسی قرآنی با انسان‌شناسی غربی با توجه به مبانی اعتقادی شیعه حسنا، شماره ۲۵، سال ۱۳۹۴ هـ.ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ هـ.ش.

۳۱. همو، ناصر اخلاق در قرآن، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۳۲. همو، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۴۰۲ هـ.ش.
۳۴. همو، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۴۰۲ هـ.ش.
۳۵. همو، حاشیه کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۳۶. معارف، مجید، بارقه‌هایی از تاریخ و معارف نهج البلاغه، موسسه فرهنگی نیا، تهران، ۱۴۰۱ هـ.ش.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۳۸. همو، اخلاق در قرآن، جلد سوم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، تصحیح موسوی کلانتری دامغانی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۴۰. ورعی، جواد، مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکان، چاپ سوم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱ هـ.ش.